



درس فارج فقه استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

تاریخ: ۲۶ شهریور ۱۳۹۳

موضوع کلی: القول فیما يجب فيه الخمس (الثانی: المعدن)

مصادف با: ۲۱ ذی القعدة ۱۴۳۵

موضوع جزئی: تعریف معدن

جلسه: ۲

سال پنجم

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

ادامه ترجمه و توضیح:

«و الاحوط الاولى إخراجہ من المعدن البالغ دینارا بل مطلقا، بل لا ینبغی ترکہ» احتیاط مستحب آن است که برای وجوب خمس نصاب در نظر گرفته نشود یعنی آن نصاب بیست دینار که اشاره شد، لازم نیست و اگر ما استخراج من المعدن یک دینار هم باشد، احتیاط مستحب اخراج خمس است بلکه مطلقا یعنی ولو کمتر از یک دینار هم باشد (طلایی که استخراج شده اگر از یک دینار هم کمتر باشد احتیاط مستحب اخراج خمس است و بلکه ترک این احتیاط شایسته نیست؛ به نوعی اضراب می کند از احتیاط مستحب و می گوید کأن نصاب در آن معتبر نیست.

«و لا یعتبر الاخراج دفعة علی الاقوی» برای وجوب خمس در معدن لازم نیست آنچه که استخراج می شود دفعتاً و به یکباره استخراج شده باشد «فلو أخرج دفعات و بلغ المجموع النصاب و جب خمس المجموع» اگر آنچه را که از معدن اخراج می کند، در دفعات متعدد به بیست دینار برسد (بر فرض اعتبار نصاب) خمس مجموع محاسبه می شود و خمس مجموع باید پرداخت شود و این گونه نیست که هر بار مجزا محاسبه شود.

«حتی فیما لو أخرج أقل منه و أعرض ثم عاد و أكمله علی الاحوط» حتی اگر مقداری را از معدن استخراج بکند و کمتر از نصاب شود و دیگر بنای به استخراج برای بار دوم نداشته باشد اما دوباره برگشت و استخراج کرد و به حد نصاب رسید در این صورت خمس مجموع آنچه را که اخراج کرده قبل الاعراض و بعد الاعراض و العود، بنابر احتیاط واجب باید بدهد.

«لو لم یکن الاقوی» اگر فتوا به وجوب ندهیم. (پس بخش دوم مربوط به نصاب در وجوب خمس معدن بود.)

و اما بخش سوم در مورد این است که نصاب خمس در صورتی که به صورت گروهی استخراج بکنند، چگونه محاسبه می شود و هم چنین به برخی از فروع دیگر مسئله نصاب اشاره می کنند.

«و لو اشترک جماعة فی استخراجہ فالاقوی اعتبار بلوغ نصیب کل واحد منهم النصاب» اگر چند نفر با هم مشترکاً استخراج معدن بکنند برای وجوب خمس اقوی آن است نصیب هر یک از آنها به این بیست دینار برسد «و إن کان الاحوط إخراجہ إذا بلغ المجموع ذلک» اگرچه احتیاط مستحب آن است که اگر مجموع به این حد رسید خمس را بپردازند.

«و لو اشتمل معدن واحد علی جنسین أو أزيد كفی بلوغ قيمة المجموع نصاباً علی الاقوی» اگر در یک معدن دو جنس بود مثلاً در یک معدن هم طلا بود و هم نقره، در این صورت باید مجموع اینها را محاسبه کرد و قیمت مجموع اگر به اندازه بیست دینار یا دویست درهم (حد نصاب) رسید، خمس آن واجب می‌شود «و لو كانت معادن متعددة لا يضم بعضها إلى بعض علی الاقوی و إن كانت من جنس واحد» اگر چند معدن بود و عرفاً دو معدن و یا بیشتر به حساب آمد بعضی به بعضی دیگر ضمیمه نمی‌شود یعنی نصاب طلا جدا حساب می‌شود و نصاب نقره جدا حساب می‌شود و در صورت رسیدن به نصاب خمس واجب می‌شود و حتی اگر از جنس واحد بودند، اینها به هم ضمیمه نمی‌شوند و نصاب جدا دارند «نعم لو عدت معدنا واحدا تخلل بین أعضائها الأجزاء الارضية يضم بعض إلى بعض» بلکه اگر اینها معدن واحد حساب شوند که بین اعضاء آن معدن اجزاء زمین فاصله شده مثلاً تپه‌ای یا سنگی این رگه طلا یا نقره را قطع کرده در این صورت این بعض با بعض دیگر ضمیمه می‌شود و یک نصاب دارد.

تقسیم بندی مطالب:

این یک توضیح اجمالی از متن تحریر بود؛ متن تحریر متضمن چند مطلب بود:

اولاً معدن چیست؟ به چه چیزی معدن می‌گویند؟ در بحث اول باید تعریف معدن را ارائه کرد؛ اینکه آیا معدن یک مفهوم عرفی است یا یک معنای شرعی دارد و یک اصطلاح شرعی است؟ چه خصوصیتی در معدن معتبر است؟ دومین بحثی که باید انجام دهیم این است که اصل وجوب خمس در معدن را مورد بررسی قرار دهیم و ادله وجوب آن ببینیم.

سومین مطلبی که در این مجموع کلمات در مورد آن بحث به میان آمد در مورد نصاب است یعنی آن مقداری که اگر به آن مقدار برسد خمس واجب می‌شود که این بحث متضمن فروع متعددی است که بیان خواهیم کرد.

مطلب اول: تعریف معدن

در مورد معدن کلمات لغویین و فقها مختلف است و هر کدام به نوعی آن را تبیین کرده‌اند. در کنار اینها روایات و نصوصی که در این باب وارد شده به یک جهاتی در رابطه با معدن اشاره کرده‌اند. ما اجمالاً کلمات لغویین را در رابطه با معدن ذکر می‌کنیم و نتیجه‌ای می‌گیریم و بعد اشاره‌ای خواهیم داشت به عبارات بعضی از فقها و سپس متعرض نصوص و روایاتی که به نوعی متضمن بیان معدن و ملاک و ضابطه معدن است، خواهیم شد و بعد جمع بندی خواهیم کرد که بالاخره اصلاً معدن که خمس در آن واجب است، چیست. این مسئله فی نفسه به عنوان یکی از اموری که متعلق خمس است دانستن آن لازم است چنانچه در مورد غنائم دار الحرب بیان کردیم و حدود و قیود آن را تبیین کردیم. و همچنین باید به این بحث بپردازیم که در مواردی که شک کنیم آیا این مورد يعد من المعادن أم لا، چه باید بکنیم و تکلیف چیست؟

۱- العین معدن را این گونه معنا کرده است: «المعدن: مکان کل شیء، أصله و مبتدؤه، نحو الذهب، و الفضة و الجواهر و الأشياء، و منه: جنات عدن. و فلان معدن الخیر و معدن الشر»^۱ ایشان معدن را اسم مکان دانسته و فرموده: معدن یعنی مکان هر چیزی و مبتدای هر چیزی مثل مکان طلا و نقره و اشیاء و هر چیزی. پس معدن آنجایی است که آن شیء از آن اخراج شود و اصل و مبتدأ اشیاء است. پس اگر تکه‌ای از طلا را در صندوقی بگذارید، به آن معدن نمی‌گویند. و اینکه جنات عدن می‌گویند، از همین باب است؛ عدن یعنی اقامه و جنات عدن یعنی بهشت‌هایی که در آن مقیم می‌شوند و در آن استقرار و ثبات پیدا می‌کنند یا اینکه می‌گویند فلانی معدن الخیر و معدن الشر یعنی فلان مکان خیر است اصل خیر است مثلاً در مورد اهل بیت (ع) گفته می‌شود معدن خیر هستند یعنی اصل و مکان و محل خیر هستند.

۲- صاحب لسان العرب در مورد معدن این چنین گفته: «و هو المكان الذي يثبت فيه الناس لأن أهله يقيمون فيه و لا يتحولون عنه شتاء و لا صيفا» مکانی که مردم در آن ثبات و استقرار پیدا می‌کنند دائماً «معدن كل شيء من ذلك» و اینکه گفته می‌شود معدن فلان شیء به همین خاطر است «و معدن الذهب و الفضة سمي معدناً لإنبات الله فيه جواهرهما و إثباته إياه في الأرض حتى عدن أي ثبت فيها»^۲ و معدن طلا و نقره به این جهت معدن نامیده شده که خداوند تبارک و تعالی جواهر اینها را و اصل اینها را در آنجا رویانده و آن جواهر را در آن زمین ثابت و مستقر کرده.

۳- تاج العروس در مورد معدن این چنین گفته: «المعدن، كمجلس، و حكى بعضهم كمقعد أيضاً و ليس بثبت، منبت الجواهر من ذهب و نحوه، سميت بذلك لإقامة أهله فيه دائماً لا يتحولون عنه شتاء و لا صيفاً؛ أو لإنبات الله، عز و جل إياه فيه و إثباته إياه في الأرض حتى عدن أي ثبت فيها»^۳ معدن مثل مجلس است یعنی هم اسم مکان است و هم وزن آن مفعیل است البته بعضی بر وزن مفعّل هم گفته‌اند مانند مقعد اما این درست نیست. معنای آن این است: محل روییدن جواهر (جواهر سنگ‌هایی که دارای قیمت هستند) و به این جهت معدن گفته شده است برای اینکه اهل آن در آن به صورت دائم هستند و این گونه نیست که جابجا بشوند مثل طلا، نقره، مس و غیر اینها یا به این جهت که خداوند تبارک و تعالی آن را در این مکان رویانده و اثبات کرده و مستقر کرده.

۴- نظیر همین مطلب در نهایت ابن اثیر آمده؛ ایشان معادن را این گونه تعریف کرده: «المعادن: المواضع التي تستخرج منها جواهر الأرض كالذهب و الفضة و النحاس و غیر ذلك، واحدها معدن. و المعدن: الإقامة. و المعدن: مركز كل شيء»^۴ به

۱. العین، ج ۲، ص ۴۲.

۲. لسان العرب، ج ۱۳، ص ۲۷۹.

۳. تاج العروس، ج ۱۸، ص ۳۷۱.

۴. النهاية فی غریب الحدیث، ج ۳، ص ۱۹۲.

بیان ایشان معدن عبارت است از آن مکان و موضعی که جواهر ارض از آن استخراج می‌شود. کلمه جوهر را باید دقت کرد؛ طبق آنچه در کتب لغت آمده، معدن مرکز و مکان هر چیزی است اما وقتی می‌خواهند معدن را معنا کنند می‌گویند آن مکان‌هایی که جواهر الارض از آن استخراج می‌شود جوهر هم طبق بیان خود اهل لغت عبارت است از سنگ و حجری که از ارض استخراج می‌شود و دارای قیمت است.

این را به این جهت عرض می‌کنیم که باید بعداً ببینیم آیا معدن فقط به آن مکانی که جواهر از آن استخراج می‌شود، گفته می‌شود یا اعم است؟ آیا خصوص سنگ ملاک است یا غیر سنگ هم می‌شود؟ آیا اگر غیر سنگ را شامل شد، اختصاص به جوامد است یا شامل مایعات هم می‌شود؟ آیا معدن به چیزی گفته می‌شود که فقط در عمق زمین است و مستور است یا اگر در سطح زمین هم بود مانند نمک زار را معدن می‌گویند.

۵- مرحوم صاحب حدائق و بعضی دیگر از بزرگان از کتاب المغرب فی ترتیب المعرب تعریفی را نقل کرده‌اند (کتاب لغتی است که به بیان الفاظ غریب که در فقه حنفی وارد شده پرداخته مثل مصباح المنیر فیومی که الفاظ وارد در فقه شافعی را شرح کرده است) عبارت این است: «عدن بالمکان أی اقام به و منه المعدن لما خلقه الله فی الارض من الذهب و الفضة لأنَّ الناس یقیمون به الصیف و الشتاء و قیل لإنبات الله فیه جوهرهما و اثباته اياه فی الارض حتی عدن فیها أی ثبت»^۱ عدن همان اقامه است و معدن یک مکانی است برای آنچه خدا خلق کرده است از طلا و نقره (ظاهر عبارت این است که با آنچه لسان العرب، النهاية و تاج العروس گفته فرقی ندارد).

همه کتب لغت ظهور در این دارند که معدن اسم برای محل و مکان است نه اسم برای حال؛ ما یک حال داریم و یک محل که همان مکان باشد و حال آن چیزی است که در این مکان وجود دارد مانند خود طلا و نقره. از عباراتی که تا اینجا بیان کردیم استفاده شد که معدن اسم مکان است یعنی اسمٌ للمحل حتی عبارت مغرب را ملاحظه فرمودید که ظهور در این دارد که معدن اسم برای محل است و جمله بعدی ایشان مؤید این است که اسم مکان و محل است «الناس یقیمون به الصیف و الشتاء» به علاوه ظاهر عبارت گواه این است که ایشان این معنا را از کتب لغت اخذ کرده است. پس معدن با توجه به این تعاریف اسم مکان و محل است.

بررسی کلام بعضی بزرگان:

۱- بعضی از بزرگان از این کلام مغرب استفاده کرده‌اند که کأنَّ صاحب مغرب معدن را اسم برای حال قرار داده است.^۲ به نظر ما این چنین نیست و فرقی بین مغرب و سایر کتب لغت نیست و ظاهر همه اینها این است که معدن اسم برای محل است.

۱. المغرب، ج ۲، ص ۴۷.

۲. کتاب الخمس، آیه الله منتظری، ص ۴۴.

از دید لغویین معدن اسم برای محل است البته ممکن از بعضی روایات ما این استفاده را بکنیم کما اینکه بعضی این را گفته‌اند.

۲- مرحوم محقق همدانی هم به نوعی دیگر این مطلب را بیان کرده و می‌گوید کلمات اصحاب و کلمات لغویین در این جهت با هم فرق دارند. ایشان تصریح کرده که کلمات لغویین معدن به معنای محل است ولی در کلمات اصحاب معدن به معنای حال است.^۱ ایشان از یک تعبیری استفاده کرده و گمان کرده که اصحاب معدن را به معنای حال می‌دانند نه محل. چون اصحاب در مقام شمردن اموری هستند که خمس در آن واجب است و گفته‌اند الثانی مما يجب فیه الخمس المعدن آنچه که در آن خمس واجب است معدن است مثل طلا و نقره از این عبارت اصحاب استفاده کرده منظور اینها از معدن آن مکان نیست بلکه حال آن است (آن فضا و ذهبی است که ایشان از این مکان استخراج می‌شود) در حالی که ما نمی‌توانیم از این تعبیر این استفاده را بکنیم اینکه گفته‌اند الثانی مما يجب فیه الخمس المعدن کالذهب الفضة این در واقع یک استعمال و اطلاق مجازی است؛ کلمه معدن را گفته‌اند ولی از آن اراده نکرده‌اند معنای حقیقی را بلکه معنای مجازی را اراده کرده‌اند؛ از باب علاقه حال و محل معدن گفته‌اند ولی از آن حال را اراده کرده‌اند نه محل را؛ اگر اصحاب مجازاً محل را در معنای حال به کار برده‌اند نمی‌توانیم بگوییم معنای معدن عند الاصحاب و عند اللغویین متفاوت است.

بله این را ما قبول داریم که موضوع بحث ما (ما يتعلق به الخمس) حال است اما این غیر از این است که ببینیم معنای معدن چیست. لذا معدن از دید لغت اسم مکان است و همه لغویین این را می‌گویند ولی در بحث ما مجازاً از معدن حال اراده شده است و به این دلیل نمی‌شود بر اینکه به نظر اصحاب معنای معدن غیر از آن است که اهل لغت گفته‌اند. مگر آنکه منظور ایشان همین معنای مجازی باشد.

بحث جلسه آینده: عمده بحث در سعه و ضیق معنای معدن است اینکه چه چیزهایی در آن معتبر است و اینکه آیا باید از سطح زمین پایین تر باشد آیا باید جامد باشد و امثال این مباحث که إن شاء الله مورد بحث و بررسی قرار خواهیم داد.

«الحمد لله رب العالمین»